



موضوع:

تاریخ

نام و نام خانوادگی

هدف:

دانش آموزان با هم گفت و گو کردند.
نماینده ی یکی از گروهها گفت کتاب خوب را هم مانند دوست ،
پس از هم فکری و مشورت با بزرگ ترها انتخاب می کنیم.

کار بنایی مسجد تازه تمام شده بود
مردم میخواستند برای اولین بار نماز را به جماعت در این مسجد بخوانند.

برای جنگیدن با میکروبها ، بهتر است
همیشه خود را پاکیزه نگه داری و دستهایت را قبل از غذا خوردن
بشویی حالا هم باید استراحت کنی تا دوباره سالم و شاداب شوی

خاکستری جواب داد خطرهایی برای ما پیش می آمد مثلاً صدای
روباهها را نمی شنیدیم از خیلی چیز ها هم لذت نمی بردیم ،
مثل صدای پرنده ها و سرود خواندن بچه ها.

صاحب گوسفند ها گفت آخر این همه آب ناگهان از کجا آمد؟
چوپان گفت شنیده ای که می گویند: قطره قطره جمع گردد

وانگهی دریا شود. این سیل همان آبهای است که تو در شیر میریختی و به مردم می فروختی

چه خیابان منظمی چه رفت و آمد مرتبی !
این نظم و ترتیب را مأمور راهنمایی و رانندگی ایجاد کرده است.

بازخورد:

صدای اذان از گل دسته ها بلند شد





موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

در یکی از روزهای ماه مهر دانش آموزان
با نظم وارد کلاس شدند آموزگار با بچه ها سلام و احوال پرسى کرد.

مهدى و پدرش به مردم شربت و شیرینی دادند
بعد از نماز امام جماعت از مردم تشکر کرد.

خرس کوچولو ناراحت و بی حوصله
به راه افتاد و کمی بعد خسته و گرسنه زیر درختی نشست تا استراحت کند.

داشتن گوشهای سالم خیلی مهم است
باید از آنها خوب مواظبت کنیم.

چوپان هر روز شیر گوسفندان را میدوشید
و به خانه صاحب گوسفند ها می برد.

کوشا و نوشا پرواز کنان لانه شان را ترک کردند
آنها قبول کردند سالها تلاش کنند تا از دارکوب علم و دانایی بیاموزند.

نانوای سحر خیز با آرد نان گرم و خوش مزه می پزد.

بازخورد:





موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

آموزگار از دانش آموزان تشکر کرد و گفت : ((آیا همه ی نوشته ها در رایانه ، کتاب ها و مجله ها برای شما مفید است؟

مردم میخواستند برای اولین بار
نماز را به جماعت در مسجد بخوانند.
مسجد چراغانی شده بود.

بعد از نماز ، امام جماعت از تمام کسانی
که در ساختن مسجد کمک و همکاری کرده بودند.
تشکر کرد.

تو باید بدانی که میکروبها در جاهای کثیف زندگی میکنند
پس برای جنگیدن با آنها بهتر است همیشه خود را پاکیزه نگه داری

خاکستری جواب داد : ((اگر گوش نداشتیم
خطرهایی برای ما پیش می آمد :
مثلاً ، صدای روباه ها و شغال ها را نمی شنیدیم.

چوپان برای نجات خود بالای درختی رفت
اما سیل همه ی گوسفندان را با خود برد و
چوپان نتوانست هیچ کاری بکند.

نوشا این بار به طوطی سخن گو رسید و
از او خواست خوب حرف زدن را به او یاد بدهد.

چه خیابان های از منظمی چه رفت و آمد مرتبی
این نظم و ترتیب را در خیابان ها ، چه کسی ایجاد کرده است؟ مأمور راهنمایی و رانندگی.

